



دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی  
سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹  
شماره پیاپی: ۱۷

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب  
مدیر مسئول: اکبر ایرانی  
سردبیر: محمد باقری  
مدیر داخلی: زینب کریمیان  
ویراستار: پویان رضوانی  
اجرای جلد: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

همکاران علمی

حسن امینی \* حمید بهلول \* پویان رضوانی \* حنیف قلندری \* یونس کرامتی \* امیرمحمد گمینی  
شمامه محمدی فر \* یونس مهدوی \* سجاد نیکفهم خوب روان

مشاوران علمی

پرویز اذکائی \* یوسف ثبوتی \* توفیق حیدرزاده  
محمدابراهیم ذاکر \* حسن طارمی \* حمیدرضا گیاهی یزدی  
مهدی محقق \* حسین معصومی همدانی \* محمدجواد ناطق \* سیدحسین نصر  
علی بابایف (جمهوری آذربایجان) \* جان لنارت برگرن (کانادا) \* گلن وان بروملن (کانادا) \* احمد جبار (فرانسه)  
سرگی دمیدوف (روسیه) \* رشدی راشد (فرانسه) \* جمیل رجب (کانادا) \* سری رامولا سارما (آلمان) \* ژاک سزبانو (سوئیس)  
جورج صلیبا (امریکا) \* حکیم سید ظل الرحمان (هند) \* رادا چاران گویتا (هند) \* ریچارد لورج (انگلستان)  
مصطفی موالدی (سوریه) \* یان پیتر هوشندایک (هلند) \* میچیو یانو (ژاپن)

تصویر پشت جلد: نقش هندسی چارترنج در آرامگاه هارون ولایت (اصفهان) (عکس از: هادی ملکیان)

نشانی مجله: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه چهارم، شماره ۱۶  
کد پستی: ۹۳۵۱۹-۱۳۱۵۶ تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ داورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir  
miraselmi@mirasmaktoob.ir / miraselmi90@gmail.com

بها: ۴۰۰۰۰۰ تومان



## فهرست

۱ | سرسخن

### مقاله

- ۳ منابع و مأخذ رساله فارسی لب الحساب  
نرگس عصارزادگان
- ۳۱ معمای تاریخ مبدأ تقویم جلالی  
حمیدرضا گیاهی یزدی، ترجمه هاشم سیماپ
- ۵۰ تاریخچه نام روزهای هفته و تعطیل پایان هفته  
علی نقی منزوی
- ۵۹ کاردانو چه کرد که خیام نکرد؟  
امیر اصغری
- ۷۴ نقش هندسی چارترنج  
محمد باقری
- ۸۴ بررسی محتوای رساله مجموع المربعات محمد باقر یزدی  
زهرا پورنجف
- ۹۹ علوم غریبه در دوره صفویه  
متیو ملوین-کوشکی، ترجمه حمید بهلول
- ۱۱۵ آثار ایلهارد ویدمان در حوزه علوم و فناوری دوره اسلامی  
انوشه هادزاد

### یادداشت‌های تاریخی

- ۱۲۶ بررسی موضوعات بی‌ارزش  
اتو نویگه باوئر، ترجمه حمید بهلول

### یادنامه‌ها

- ۱۲۸ به یاد پاول کونیچ (۱۹۳۰-۲۰۲۰م)  
بنو وان دالن، ترجمه حنیف قلندری
- ۱۳۸ خاطره‌هایی از پاول کونیچ  
ریچارد لورچ، ترجمه مهسا راقب

### رساله

- ۱۴۰ رساله اعمال الغریبه در شیمی  
محمد رضا عرشی



## تاریخچه نام روزهای هفته و تعطیل پایان هفته<sup>۱</sup>

علی نقی منزوی<sup>۲</sup>

روز جمعه نزد ما مسلمانان شیعه و سنی روزی مقدس و گرامی است، روز دعا و عبادت است، و چنانکه بعداً خواهیم دید دور نیست که در اواخر عهد ساسانی در ایران به عنوان روز آناهیتا خدای عشق، روز جشن و آدینه، شناخته شده و از آن جا به حجاز سرایت کرده باشد؛ و تازیان برای مبارزه با «سبت» یهودیان از آن استفاده کرده «یوم الزینه» (قرآن ۶۱:۲۰) و «جمعه» (قرآن ۹۰:۶۲) اش نامیدند. لیکن بالاخره بزرگداشت روز مذهبی چیزی است و تعطیل آن روز که یک مسئله اقتصادی است مسئله‌ای دیگر است، و این دو هیچ ربطی با هم ندارند. توضیح این مطلب نیز نیاز به مقدمه‌ای دارد.

### پیدایش هفته

کهن‌ترین بخش‌های روزها در تاریخ اروپای قدیم صورت ده‌دهی داشته و تقسیم هفتگی آن در هزاره دوم پیش از میلاد در بین‌النهرین متداول گردیده و سپس ایرانیان و یهود و مصریان از مردم آنجا برگرفته‌اند. بخش‌بندی هفتگی پس از آگاهی بشر از ستارگان سیار هفتگانه رخ داده است و لذا نام آن هفت ستاره را بر روزهای هفته نهاده‌اند، ولی چنانکه از گفته بیرونی خواهیم آورد، نخست ساعت‌های ۲۴ گانه شبانه‌روز به نام سیاره‌های هفتگانه خوانده شده و سپس هر روز از هفته به نام ستاره هم‌نام نخستین ساعت آن روز نامیده شده است. کسروی می‌گوید: بنیاد هفته‌داری از هر کس بوده، نشر آن در جهان با دست جهودان و ترسایان روی داد و در ایران قرن‌ها پیش از اسلام به دست آنان رواج یافت (مجله پیمان، سال ۱، شماره ۱۰-۱۱، فروردین ۱۳۱۳؛ تجدید چاپ: ذکاء، ۱۳۵۲، کاروند

۱. برگرفته از مجموعه ریشه‌ها و اندیشه‌ها: مقاله‌هایی در تاریخ و اندیشه ایرانیان، علی نقی منزوی، به کوشش غلامحسین صدری افشار، تهران، انتشارات مهریستا، ۱۳۹۲ (به نقل از کاوه، سال ۱۴، ۱۳۵۵، شماره ۱، ص ۶-۱۰). نام اصلی این مقاله «جمعه و یکشنبه یا هفته‌داری در ایران» بوده است.

۲. (۱۳۰۲-۱۳۸۹) دکتر فلسفه، فرهنگ‌نویس، کتاب‌شناس، همکار لغت‌نامه دهخدا و همکار المنجد. او فرزند آقابزرگ طهرانی مؤلف اثر گرانقدر الذریعة إلى التصانیف الشیعة و برادر استاد مرحوم احمد منزوی، نسخه‌شناس و فهرست‌نگار برجسته و پرکار نسخه‌های خطی بود.

کسروی، ص ۴۶۰). لیکن این سخن چندان درست نیست زیرا که از دو گونه هفته‌داری که هم‌اکنون در جهان متداول می‌باشد، هفته ستاره‌ای که از هند است، هم کهن‌تر و هم رایج‌تر از هفته شماری است که ریشه یهودی دارد.

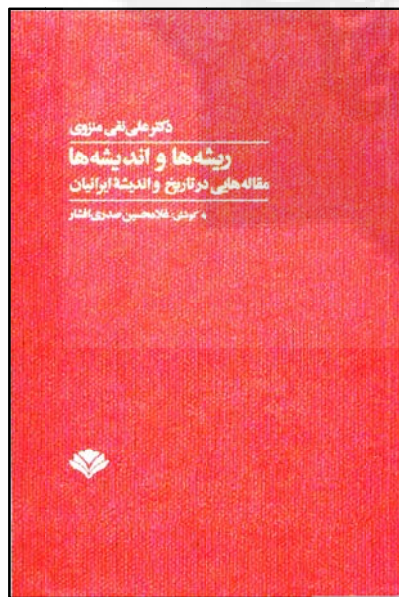
### نام ساعت‌های ۲۴ گانه و روزهای هفته

بیرونی در ۴۴۰ ق گوید: هندیان نام روزهای هفته را از هفت ستاره سیار گرفته‌اند. همچنان که فارس‌ها شماره روزها را بر «شنبه» می‌افزایند هندیان نام یکی از هفت ستاره را بر پسوند «بار» می‌افزایند: پس یکشنبه را «ادیب بار» گویند یعنی روز مهر (خورشید) که در فلک چهارم از افلاک هفتگانه بطلمیوسی قرار گرفته است. و دوشنبه را «سوم بار» یعنی روز ماه (در فلک اول) و سه‌شنبه را «منگل بار» یعنی روز بهرام-مریخ-Mars (فلک ۵) و چهارشنبه را «بدبار» یعنی روز تیر-عطارد-Mercury (فلک ۲) و پنج‌شنبه را «پرهسپت بار» یعنی روز برجیس-مشتری-Jupiter (فلک ۶) و آدینه را «شکر بار» یعنی روز ناهید-زهره-Venus (فلک ۳) و شنبه را «شنیشچر بار» یعنی روز کیوان-Zhul-Saturn (فلک ۷) نامند.

بیرونی سبب این ناهماهنگی ترتیب روزهای هفته را با ترتیب افلاک هفتگانه، چنین روشن کرده گوید: هندیان خورشید را که در «فلک ۴» است خدای روز اول هفته که یکشنبه است و خدای نخستین ساعت آن روز می‌شمارند، و سه ساعت پس از آن هر یک را به ترتیب به نام یکی

از ستارگان زیر فلک خورشید می‌نامند. بنابراین ساعت دوم را ناهید (فلک ۳) و سوم را تیر (فلک ۲) و چهارم را ماه (فلک ۱) می‌خوانند. چون پایین‌تر از ماه ستاره‌ای نیست ناچار دوباره به بالا بازگشته ساعت پنجم را کیوان (فلک ۷) و ششم را برجیس (فلک ۶) و هفتم را بهرام (فلک ۵) می‌نامند. و از ساعت ۸ تا ۱۴ را ایشان دوباره به همان نام‌های (خورشید ... بهرام) می‌نامند.

هندیان این دوره‌های هفت ساعتی را همچنان تکرار کردند و بنابراین ساعت ۲۵ روز مهر (یکشنبه) که همان نخستین ساعت روز بعد از آن (روز دوشنبه) است، ساعت «ماه» نام گرفت. پس روز دوم هفته نیز به پیروی از نام اولین ساعتش، بر خلاف ترتیب افلاک



بطلمیوسی به ناگزیر روز ماه نامیده شد. چون بیست و پنجمین ساعت پس از آن که نخستین ساعت روز سوم هفته باشد ساعت بهرام است، ناگزیر روز سوم بهرام خوانده شد. و همچنان تا پایان هفته پیش رفتند (بیرونی، ماللهند، چاپ هند، ۱۹۵۸، ص ۱۷۱ دیده شود). همچنین بیرونی گوید ارزش روزهای هفته نزد هندیان متفاوت است چنان که یکشنبه نزد ایشان به سبب وابستگی به مهر و این که آغاز هفته است محترم می باشد.

مسعود سعد سلمان (د ۵۱۵ق) در منظومه‌ای که در آن روزهای هفته ستاره‌ای هندی را با هفته شماره‌ای سامی تطبیق کرده، هفته را از یکشنبه آغاز نموده است (دیوان مسعود، چاپ یاسمی، تهران ۱۳۱۸، ص ۶۶۸؛ بنگرید به ابیات افزوده در پایان مقاله).

ملل و نحل شناسانی چون ابوالمعالی و شهرستانی (د ۵۴۸ق) گویند: اصحاب روحانیات در هر روز برای ستاره‌ای که آن روز هفته بدان نام خوانده می شود نماز می گزارند چنان که شنبه زحل را (بیان‌الادیان، چاپ اقبال، ص ۲۱؛ ملل و نحل شهرستانی، ترجمه صدر ترکه اصفهانی، ص ۲۴۰). می دانیم که مقصود شهرستانی از اصحاب روحانیات دارندگان اندیشه‌های گنوستیک هند و ایرانی است؛ اندیشه‌ای که به وسیله میترائیست‌ها به زرتشتیان و صابیان و حتی به برخی از مسیحیان صوفی سرایت کرده بود.

سنت‌گرایی دولت، در دوره دوم صفوی، روز به روز محیط را بر این میراث ملی ایران تنگ‌تر می کرد. برای نمونه، فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ق) را می بینیم که نام ستاره‌های هفته را در تقویم‌المحسنین (ص ۳۵) و نام فارسی سی روز ماه را در رساله نوروز و سی روز درست همانند «بندھشن» و در خرده‌اوستا (ص ۱۹۶-۲۰۱) و التفهیم فارسی بیرونی (ص ۲۳۴ و عربی و انگلیسی ص ۱۷۰) آورده و همه را هم با احترام از امام صادق نقل می کند، اما مجلسی (د ۱۱۱۰ق) در باب «سما و عالم» از کتاب بحارالانوار (چاپ امین‌الضرب، جلد ۱۴، ص ۱۰۶؛ چاپ نوین اسلامی، جلد ۵۹، ص ۲۸-۲۹) نام ستاره‌های هفته را، و در ص ۵۶-۹۰ نام‌های فارسی سی روز ماه را به نقل از امام صادق، و در ص ۱۰۹ به بعد نام‌های فارسی ۱۲ ماه خورشیدی را از کتاب علل الشرایع تألیف ابن بابویه (د ۳۸۱ق) به نقل از امام رضا آورده است، اما سنی مآبانه در صحت نسبت آنها بدان دو امام تردید روا داشته است.

از این تاریخ به بعد کم‌کم هفته‌داری ستاره‌ای در ایران به درون کتاب‌های منجمان خزید و بر صفحه دفترچه‌های گاه‌شماری (تقویم‌های به قطع خشتی) منحصر گشت (برای آمار این دفترچه، ذریعه ۴: ۳۹۶-۴۰۳ و ۷: ۶۶-۶۷ و ۸: ۲۱۱-۲۲۵ دیده شود). اما در هند وضع دگرگونه بود. گروهی از دانشمندان شیعه که از سنت‌گرایی دولت ایران گریخته و از کشتار مکتب‌های فلسفی قزوین به دست شاه عباس در ۱۰۰۲ق جان به سلامت به در برده بودند به گرد اکبرشاه فراهم آمدند و به

سرپرستی شاه فتح‌الله دانشمند شیرازی (د ۹۹۷ق) تاریخ الهی را بنیان نهادند که در آن نام‌های روز و هفته و ماه و سال خورشیدی فارسی گشته و همه جشن‌های ایرانی با پشتیبانی حدیث‌های شیعی زنده شده بود. اما متأسفانه این نیز دیری نپایید و بیماری سنت‌گرایی آن‌جا را نیز در هم ریخت و چندین تن از دانشمندان شیعی مانند قاضی نورالله شوشتری را به کشتن داد (سال ۱۰۱۹ق).

جالب توجه است که این‌گونه نام‌گذاری روزهای هفته با همه فشارهای یادشده هنوز هم در بسیاری از دهات ایران رایج است. من با مراجعه به مرکز فرهنگ مردم وابسته به تلویزیون و مدیر محترم مش‌آقای انجوی شیرازی گزارشی را که به نام فتح‌الله رضائی از کشاورزان تفرش در آرشو آن‌جا محفوظ است بررسی نمودم. بنا بر آن گزارش، مردم ساده‌آن سامان هنوز هم ۲۴ ساعت شبانه‌روز را با نام همان هفت ستاره سیار که بیرونی یاد کرده و با همان ترتیب قدیم نگاه داشته‌اند. با این‌که [این] مردم سنی زده‌اند و هفته را به جای یکشنبه از شنبه آغاز می‌کنند، باز آن روز را به عادت عهد ساسانی مانند هندیان از آن کیوان (زحل) می‌شمرند، زیرا که نخستین ساعت شنبه ساعت کیوان است و روز یکشنبه را متعلق به مهر می‌دانند زیرا که نخستین ساعت آن روز مهر نام دارد و دوشنبه را با اولین ساعتش از آن ماه و سه‌شنبه را آن بهرام و چهارشنبه را از آن تیر و پنج‌شنبه را برجیس و آدینه را ناهید مطابق جدول زیر می‌شمرند. و خواص هر روز را از روی خاصیت رب‌النوع آن ستاره مشخص می‌کنند، مثلاً ازدواج روز آدینه نیکو است چون روز آناهیتا عشق می‌باشد.

#### هفته تفرشی و ستاره‌نامی ساعت‌ها و روزهایش

ساعت	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنج‌شنبه	آدینه	شنبه
۱	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید	کیوان
۲	ناهید (زهره)	کیوان	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس
۳	تیر (عطارد)	برجیس	ناهید	کیوان	مهر	ماه	بهرام
۴	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید	کیوان	مهر
۵	کیوان (زحل)	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید
۶	برجیس (مشتری)	ناهید	کیوان	مهر	ماه	بهرام	تیر
۷	بهرام (مریخ)	تیر	برجیس	ناهید	کیوان	مهر	ماه
۸	مهر	ماه	بهرام	تیر	برجیس	ناهید	کیوان
»	»	»	»	»	»	»	»

۱. نیز بنگرید به مقاله «علوم غریبه در دوره صفویه» در همین شماره میراث علمی. م ع

»	»	»	»	»	»	»	»
»	»	»	»	»	»	»	»
۲۴	تیر (عطارد)	برجیس	ناھید	کیوان	مهر	ماه	بهرام

بنا بر آنچه گذشت، باید گفته شود که شادروان دکتر محمد معین را مبالغه‌آمیز شمرد. ایشان مدعی است که هفته در ایران ساسانی شناخته نبوده است و پس از اسلام به ایران راه یافته است، زیرا که استدلال ایشان به این‌که واژه شنبه و شنبه از ریشه Sabbath آرامی (سریانی و عبری) و Shabbatu اکدی گرفته شده است («روزشماری در ایران باستان»، مجموعه ایران‌شناسی، سال ۱۳۲۵، ص ۳-۴) تنها سامی بودن این نام‌گذاری بسیار ساده را نشان می‌دهد نه عادت تقسیم‌بندی هفت روز هفته و ۲۴ ساعت شبانه‌روز بر سازمان پیچیده هفت سیاره با آن روش دقیق و علمی که در هند و ایران متداول بوده است. آری در ایران پیش از اسلام هم هفته‌داری و هم سی روزشماری ماه رایج بوده است. البته چنان‌که خواهیم دید برای ثبت حوادث از سی روزشماری استفاده می‌شده است، و هفته‌شماری تنها برای انجام دادن مراسم مذهبی بوده است، زیرا که هفته طبیعتاً نمی‌تواند تاریخ‌نگار باشد. چنان‌که می‌بینیم امروزه اروپاییان نیز نام روزهای هفته را با همان شکل هندی به کار می‌برند. حتی بنا بر گفته بیرونی (در ماللهند، ص ۱۷۲، و التفهیم فارسی، ص ۲۳۴) هندیان ساعت را «هور» گویند و ما می‌دانیم که این کلمه امروز به صورت‌های گوناگون در اروپا به همین معنی متداول است.

### تعطیل هفتگی

تعطیل یک روز در هفته برای رفع خستگی از کار منظم هفتگی از وقتی شناخته شد که بشر شهرنشین شد و کار برای او به صورت یک وظیفه درآمد. یهود که پیش از پسرعموهای عربشان پا به دایره تمدن نهاده و با اقتصاد شهری سروکار یافته بودند، تعطیل هفتگی را زودتر پذیرفته بودند. چون اقوام سامی همه قوانین را الهی می‌شمردند (کا ۶۱: مقاله مرجیان) ناچار تعطیل هفته را نیز به صورت قانون الهی درآوردند. ایشان در سده سوم پیش از میلاد افسانه خلقت جهان در شش روز و استراحت خالق در روز هفتم را پرداخته و آن را در سفر تکوین (۳۰۲) گنجانیده در پس‌پیش چهار سفر دیگر تورات که خیلی کهن‌تر از سفر تکوین هستند قرار دادند. در این سفر روزها (۱ تا ۷) هفته با عدد نامیده شده و تنها روز هفتم «شبت» خوانده شده است. پس «جمعه» نزد عبرانیان و سریانیان «ششم = شدیش = سادس» نامیده می‌شده است. واژه «جمعه» از مستخرجات تازیان است. آری برخی از سریانیان هم مرز ایران جمعه را «آروبا» می‌خوانده‌اند و دور نیست که آن را از کردها گرفته



[باشند] و به معنی رب النوع عشق، ستاره<sup>۱</sup> ناهید، باشد. به هر حال از آن وقت تاکنون یهود روز شنبه را برای استراحت از کار هفته تعطیل می‌کنند و با جنبه مذهبی که بدان داده‌اند سخت بدان پایبند هستند.

### تعطیل یکشنبه هیچ ارتباطی با مسیحیان ندارد

مسیحیان تا سده چهارم میلادی مانند یهود روز شنبه را تعطیل می‌داشتند و تنها از این تاریخ است که ایشان به پیروی از رومیان باستان و هندیان روز یکشنبه را برای تعطیل برگزیدند. عبدالجبار معتزلی (د ۴۱۵ق) یکی از متکلمان عالی مقام و پرکار سده ۴ق در کتاب گرانقدرش تثبیت دلائل النبوة می‌گوید: مدت‌ها پس از قسطنطین امپراتور روم (د ۳۲۴م) یکی از امپراتوران روم انجمن کشیش‌ها (سنهومی) را تشکیل داد و این مجلس مقرر داشت که روز یکشنبه عید هفتگی نصارا در برابر روز شنبه که عید یهود است شناخته گردد و روز عید تولد زمان که روز تحویل خورشید به برج کانون است و از روزگار باستان مردم یونان و روم آن را عید تولد مهر می‌گرفتند عید سال مسیحیان و روز تولد مسیح شناخته شود و بنابراین مسیحیان در چهار قرن آغاز کارشان با روز یکشنبه کاری نداشته‌اند. عید هفتگی یکشنبه را مانند عید سالانه کریسمس از میترائیست‌های رومی گرفته‌اند. «شب یلدا»ی ایرانی شب تولد افسانه‌ای مهر است نه تولد مسیح.

تعطیل جمعه نیز هیچ ربطی به اسلام ندارد. شک نیست که روز جمعه نزد ما مسلمانان شیعه و سنی روزی مقدس و گرامی است؛ روز دعا و عبادت است. بسیاری از اعمال مذهبی مخصوص برای این روز برقرار شده است. و پیش از اسلام نیز آدینه روز ناهید خدای عشق و جشن و شادمانی و ازدواج بوده و مراسمی مذهبی داشته است.

ولی این اعمال عبادتی نه تنها منافاتی با کار روزانه نداشته بلکه طبق نص صریح قرآن نباید با آن منافات داشته باشد. آیه ۹ و ۱۰ سوره جمعه چنین است:

«إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ... فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» یعنی هرگاه صدای اذان جمعه بلند شد کارها را قطع کنید و به نماز آید و چون نماز پایان یافت به سر کار و کاسبی برگردید و به اتفاق همه مفسران نه تنها مانعی برای کار کردن پیش و پس از نماز نیست بلکه دستور است که پس از پایان نماز به سر کار برگردند. این‌گونه برداشت از تفسیر این آیه در تمام چهارده قرن تاریخ اسلام تا پیش از تماس شرق با اروپا رواج داشت و تعطیل یک روز در هفته، هرچند تقلیدی نیکو از تمدن اروپا بود، لیکن در تعیین روز آن به جمعه نوعی لجبازی به کار رفت و چون به غلط تعطیل یکشنبه را نشان مسیحیت می‌پنداشتند، خواستند با تعیین روز جمعه نوعی اظهار استقلال کرده باشند.

۱. ستاره در این متن در معنای عام، مفهوم سیاره را هم در بر می‌گیرد. م.ع



حال که معلوم شد جنبه مذهبی روز جمعه مستلزم تعطیل آن نبوده و نیست، اینک این پرسش به میان می‌آید که آیا ما مسلمانان نیازی به تعطیل یک روز در هفته داریم یا نه؟ پاسخ این پرسش به ظاهر چنین باشد که در روزگار آمدن قرآن هنوز جامعه کوچک و ده‌نشین مسلمانان به مرحله اقتصاد شهری نرسیده بوده و نیازی به تعطیل هفتگی احساس نمی‌کرده است و لذا تعطیل شبیه یهود را نیز نسخ کرده است. اما این بدان معنی نیست که تا ابد مسلمانان نباید تعطیل هفتگی داشته باشند؛ بلکه بدان معنی است که تعیین روز تعطیل هرگاه لازم آید با خود مسلمانان خواهد بود. این مانند صدها حکم دیگر است که موضوع آنها در قرن‌ها بعد پدیدار شده و تعیین حکم آنها طبعاً با نظر خود مسلمانان انجام گرفته است؛ از قبیل حکم استفاده از مخترعات بعد از اسلام و قراردادهای جدید مانند بیمه که حکم آنها به وسیله کلیاتی همچون «أوفوا بالعهد» المؤمنون عند شروطهم تعیین شده است.

بنابراین تعیین روز تعطیل هفته وقتی لازم تشخیص داده شود به خود مردم واگذار شده است و حکمی مخصوص ندارد و بر نمایندگان ملت است که روزی را که با منافع اقتصادی ملت ما جور باشد، برای تعطیل هفتگی تعیین نمایند.

پیدا است که چهار روز تعطیل برای کشوری که تازه اقتصادش به حال شکوفان در آمده است خسارتی جبران‌ناپذیر است. پس یا باید دنیا تابع ما گردد و یا ما پیرو جهان گردیم. من گمان نمی‌کنم عاقلی که سروکاری با اقتصاد داشته باشد جز این راهی بیندیشد.



از راست: احمد منزوی، علی‌نقی منزوی، آقابزرگ طهرانی، مهدی بهشتی‌پور (نوه دختری) و محمدتقی منزوی

## روزهای هفته

## یکشنبه

بر روی آفتاب به من ده شراب ناب	یکشنبه است و دارد نسبت به آفتاب
در روشنی حکایت گوید ز آفتاب	ای آفتاب روی بده باده که آن
آب حیات گردد در دست من شراب	بر یاد خسروی که چو می یاد او خورم
او را ز چرخ تاج ملوک جهان خطاب	سلطان ابوالملوک ملک ارسلان که هست
تا نابد آفتاب تو چون آفتاب تاب	ای آفتاب ملک جهان از تو نورمند

## دوشنبه

چو ماه بفرروز و جام باده بخواه	دوشنبه است که دارد مزاج ماه ایماه
که شادمانه ام از عز ملک شاهنشاه	چرا نخواهم باده چرا نجویم فخر
که فخر و کبر کند زو همیشه افسروگاه	ابوالملوک ملک ارسلان بن مسعود
فزونش بادا اقبال و عز و دولت و جاه	از آن سپید و سیاهست روز و شب را رنگ
فزونش بادا اقبال و عز و دولت و جاه	همیشه تا بود اقبال و جاه دولت و عز

## سه‌شنبه

چرا باده ندهی مرا ای عجب	سه‌شنبه بمریخ دارد نسب
که مانند مریخ تا بد بشب	بده باده لعل مریخ رنگ
ز دست تو ای دلبر نوش لب	شود مر مرا باده تلخ‌نوش
که تاج عجم گشت و فخر عرب	بیاد ملک ارسلان خسروی
دلش باد جای نشاط و طرب	نشاط و طرب تا بود در جهان

## چهارشنبه

نشاط باید کرد و نبید باید خواست	چهارشنبه بنا نوبت عطارد راست
ازین دو جادوگر مظلمت کنیم رواست	بنا عطارد جادو و چشم تو جادو
که پادشاه زمینست و خسرو دنیااست	به پیش شاه ملک ارسلان بن مسعود
چو مهر بر درم است و چو نقش بر دیباست	جهان ستانی شاهی که نام او بر ملک
بر اینکه گفتم گردون و روزگار گواست	بماند خواهد ملک بزرگ او تا حشر

### پنجشنبه

پنجشنبه بمشتری منسوب  
نیست نزدیک بخردان محسوب  
از پی عدل ملک او منصوب  
غالبست و عدوی او مغلوب  
طالع ملک او بری ز غروب

باشد ایروی و موی و خوی تو خوب  
باده در ده که عمر بی باده  
خاصه بر یاد آنکه کرد خدای  
شه ملک ارسلان که دولت او  
باد تا ظالمی برآرد چرخ

### جمعه

چون آمد لهو و شادی آرد  
کامروزم باده به گوارد  
کو ملک جهان به عدل دارد  
چون چرخ همی زمین نگارد  
ابر ار نبود چو ابر بارد

آدینه مزاج زهره دارد  
ای زهره جمال باده در ده  
بر یاد خدایگان عالم  
سلطان ملک ارسلان که جودش  
مهر او نبود چو مهر تابد

### شنبه

مرا این چنین روز بی می مدار  
تو خیز و می لعل روشن بیار  
ز اقبال و عدل شه کامگار  
زمانه فروزست و گیتی نگار  
شیش روز باد و خزانش بهار

زحل والی شنبه است ای نگار  
زحل تیره رأیست و تاریک جرم  
که امروز گیتی همه روشن است  
ملک ارسلان پادشاهی که او  
بهار و خزان باد روز و شیش

